

# معماری اسلامی در ایران

نگار، نگار:

مهندس علی دران

مهندس سحر علی یاری

مهندس امین سلیمانی



شهرکرد - ۱۳۹۶

- سرشناسه : دربان، علی، ۱۳۷۴ - .
- عنوان و نام پدیدآور : معماری اسلامی در ایران / نگارندگان علی دربان، سحر علی یاری، امین سلیمانی.
- مشخصات نشر : شهر کرد: مرید، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۱۰۰ ص.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۲۰-۷۵-۴
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : معماری اسلامی -- ایران -- تاریخ
- موضوع : Islamic architecture -- Iran -- History
- موضوع : معماری مساجد -- ایران -- تاریخ
- موضوع : Mosque architecture -- Iran-- History\*
- شناسه افزوده : علی یاری، سحر، ۱۳۷۴ -
- شناسه افزوده : سلیمانی، امین، ۱۳۷۱ -
- رده بندی کنگه : ۱۳۹۶ م ۴ د / ۱۴۸۳ NA
- رده بند دیویی : ۷۲۶/۳۰۹۵۵۰۹۰۲
- شماره کتابشناسی : ۵۰۷۰۱۹۴



## معماری اسلامی در ایران

- مؤلفان: علی دربان، سحر علی یاری، امین سلیمانی
- صفحه آرا: هاجر حسن زاده
- لیتوگرافی: سروش
- چاپ: نقشینه
- چاپ اول: ۱۳۹۶
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۲۰-۷۵-۴
- شهر کرد، میرآباد غربی، خیابان طباطبایی، کوچه ۱۱، پلاک ۴.
- تلفن و نمابر: ۰۳۸) ۳۳۳۸۰۷۱۰ همراه: ۰۹۱۳۱۸۳۳۹۱۳
- کلیه حقوق محفوظ است.

|    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۱۳ | پیش‌گفتار.....                      |
| ۱۷ | معماری اسلامی.....                  |
| ۱۷ | مردم‌واری.....                      |
| ۱۸ | پرهیز از بیهودگی.....               |
| ۱۸ | نیارش.....                          |
| ۱۹ | درون‌گرایی.....                     |
| ۲۰ | شیوه‌های معماری ایرانی.....         |
| ۲۵ | شیوه پارسی.....                     |
| ۲۶ | نقش رستم.....                       |
| ۲۸ | کاخ آپادانا - آپادانه - در شوش..... |
| ۲۹ | نقشه کاخ شوش.....                   |
| ۳۲ | معماری.....                         |
| ۳۲ | نیارش.....                          |

|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۳۳ | آرایه                      |
| ۳۴ | شیوه پارتی (اشکانیان)      |
| ۳۸ | نسا                        |
| ۴۰ | ساسانیان                   |
| ۴۱ | تخت سلیمان                 |
| ۴۲ | طاق بستان                  |
| ۴۷ | مسجد فهرج                  |
| ۴۸ | تاریخانه دامغان            |
| ۴۹ | مسجد جامع نایین            |
| ۴۹ | مسجد ولیه جامع اصفهان      |
| ۴۹ | مسجد جامع نریر             |
| ۵۰ | معماری در عصر مانیا        |
| ۵۲ | شیوه رازی                  |
| ۵۵ | گنبد قابوس                 |
| ۵۸ | مسجد جامع کبیر قزوین       |
| ۵۸ | مسجد جامع اصفهان           |
| ۶۰ | میانسرا                    |
| ۶۰ | ایوان                      |
| ۶۱ | شبستان                     |
| ۶۲ | گنبد                       |
| ۶۲ | محراب                      |
| ۶۲ | مناره‌ها                   |
| ۶۲ | مسجد جامع گلپایگان         |
| ۶۳ | مسجد جامع اردستان          |
| ۶۳ | شیوه آذری                  |
| ۶۴ | آرایه                      |
| ۶۶ | تبریز                      |
| ۶۶ | مسجد کبود تبریز            |
| ۶۸ | بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی |
| ۶۹ | مسجد جامع یزد              |
| ۷۱ | گنبد سلطانیه               |

|    |                                          |
|----|------------------------------------------|
| ۷۳ | ..... دوره تیموری و سبک آذری             |
| ۷۸ | ..... شیوه اصفهانی                       |
| ۸۰ | ..... نیارش                              |
| ۸۰ | ..... آرایه                              |
| ۸۱ | ..... خیابان چهارباغ                     |
| ۸۱ | ..... مدرسه چهارباغ اصفهان               |
| ۸۱ | ..... بازار اصفهان                       |
| ۸۸ | ..... معماری دوره بعد از صفویه (افشاریه) |
| ۸۹ | ..... زندیه                              |
| ۹۲ | ..... قاجاریه                            |
| ۹۴ | ..... نفوذ معماری غرب در ایران           |
| ۹۹ | ..... فهرست منابع                        |

## پیش‌گفتار

ایران در طول تاریخ اسلام همواره یکی از مراکز اصلی هنر اسلامی بوده است و معماری ایرانی، از جمله غنی‌ترین و بنیادی‌ترین اصول سنت اسلامی «توحید» از زمینه‌های تجلی آن است و معماری ایرانی دو، اسلامی کوشیده است تمامی وجوه و ویژگیهای خود را برای نیل به وحدت تلفیق کند.

این نکته با یادآوری برخی تعالیم سنتی پیرامون معماری و تأصر آن روشن‌تر خواهد شد؛ تعالیمی که زمانی برای همه بدیهی و آشکار می‌نمودند. در برابر، با ظهور آنچه «رنسانس» خوانده میشود و در میان جوامع و اقشار متجدد سنتی با گسترش تفکر جدید از اواخر قرن گذشته به بعد، به بوته غفلت و فراموشی سپرده شده است.

معماری اسلامی، مانند هر معماری سنتی دیگر، با جهان‌شناسی مأنوس و مرتبط است. انسان سنتی در جهانی زندگی میکند که هدف‌دار و سرشار از معنی است. جهان، هم‌چون انسان قانون‌خداوندی است؛ پس میان آن دو خویشاوندی و پیوند خاصی وجود دارد.

معماری سنتی، بویژه بنای معبد به طور عام و مسجد به صورت خاص، تمثیلی از

عالم وجود و انسان، در سیمای کیهانی اوست. بدن انسان معبدی است که روح در آن آشیان گزیده؛ روحی که عالم هستی را هم حیات بخشیده است. مسجد خانه خداست، بنایی که انسان باید حضور خدا را در آن احساس کند و از نزول رحمت الهی بهره جوید.

پیوند میان انسان، معماری و عالم هستی مبنای شناخت معماری سنتی اسلامی است که قواعد معماری قدسی را عملاً از مسجد تا هر بنای دیگر، و در نهایت تا طراح شهرهای کوچک و بزرگ تعمیم میدهد. این پیوند از قانون الهی ریشه میگیرد و به واسطه آن استمرار مییابد.

از دیدگاه سنتی، انسان و جهان را نیز میتوان به معنایی آفریده ی «هنر قدسی» دانست. انسان، جهان، و معماری قدسی از حیث وجودی کاملاً متکی به الوهیت‌اند، حال آنکه از دریچه دانش تئوری، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه هنر مصادیقی از اطلاق قواعد متفاوت یکی به حوزه های معرفتی مختلف محسوب میشوند.

دیدگاه توحیدی سنت نه تنها شامل کات معماری است، بلکه عناصری نظیر فضا، شکل، نور، رنگ و ماده را نیز که در کنار هم یک فرم معماری را به وجود می‌آورند، در بر میگیرد. این دیدگاه وحدت گرایانه چرایی و خارج از حیطه خود نمیداند و به حوزه مستقلی خاص امور غیرالهی و دنیوی قائل نیست.

از این رو، معماری اسلامی به طور کلی، کاربردی هر چه باشد، در جایگاه سنتی خود هم طراز معماری قدسی محض تلقی می‌شود. «فضا» و «فرم» در خانه یا بازار همان مفهومی را داراست که در مسجد القا می‌کند، چه فضایی که انسان سنتی همواره در آن زیسته است، هر جا که او باشد، یکسان است. حتی در مسیحیت، علیرغم جدایی دین و دنیا، در دوران حاکمیت سنت مثلاً در قرون وسطی بنای شهرداری به کلیسا شباهت داشته است.

فضا در معماری اسلامی هرگز مستقل از فرم فرض نمی‌شود. این فضا، فضای انتزاعی اقلیدسی نیست که صورت خارجی پذیرفته و چهارچوبی برای «استقرار» فرمها فراهم آورده باشد.

فضا به واسطهٔ فرمها درون خود جنبهٔ کیفی پیدا می‌کند. یک مکان مقدس، قطبی است که فضای اطراف را گرد خود متمرکز می‌سازد، چنان که شهر مکه، نقطه‌های خاکی بر روی محور اتصال زمین و آسمان که به نوعی مرکز زمین محسوب میشود، فضا را برای انجام عالی‌ترین فریضة اسلامی، یعنی نماز، متمرکز می‌سازد و قطبیت می‌بخشد. بدین گونه، خانهٔ کعبه که مسلمین پنج بار در روز به سوی آن نماز می‌گذارند، فضا را قطبی می‌کند و حتی بر کیفیت معماری شهرها تأثیر می‌نهد. علاوه بر این مرکز متعالی، امکان مقدسی با اهمیت کمتر هم وجود دارند که برای فضای اطراف خود هم چون یک قطب عمل می‌کنند و به آن ابعاد کیفی می‌دهند.

بنابر جغافیهٔ اسلامی که دانش مربوط به آن در همهٔ تمدن‌های سنتی موجود است و به ویژه در حوزهٔ ایران، صراحت و وضوح بیشتری تدوین یافته است، پدیده‌های طبیعی نظیر کوه و رودخانه هم می‌توانند موجب تعینات کیفی مکان شوند.

مفهوم فضای کیفی اصولاً در شیعه لازم را برای وصول به وحدت و جامعیت در اختیار معمار سنتی قرار میدهد تا با حتمان و شهری بنا نهد که انسان را در تنظیم حرکات و افعال روزانهٔ خود گرد مرکز واحد یاری رساند. فضایی که در معماری سنتی شکل می‌گیرد این مرکز را یا به طور مستقیم «بجاء میکند» و یا این که آن را به گونه‌ای غیر مستقیم القا می‌نماید.

در معماری سنتی، و به طور کلی در هر هنر سنتی، هیچ چاراز «معنا» جدا نیست چنان که خود لفظ هم در زبان فارسی و عربی بر دو مفهوم «سا» و «معنویت» دلالت دارد، همان روحانیت و معنویت است.

معماری اسلامی، به ویژه در ایران، اهمیت خاصی برای نور قائل است. درون مسجد گویی نور در صور مادی تبلور یافته و این صورت‌ها انسان مؤمن را به آیهٔ نور در قرآن متذکر میشوند که «الله نور السماوات و الارض».

در ایران به دلیل تابش شدید آفتاب در اکثر نقاط آن و آسمان بلورین این فلات مرتفع، نیاز به نور در فضاهای زیستی بخش تفکیک ناپذیری از زندگی مردم در طول تاریخ بوده است.

بی جهت نیست که ادیان پیش از اسلام در ایران، به خصوص آیین زرتشت، تمثیل نور را برای تعیین تعالیم خود به کار می‌گرفتند و در دوره اسلامی هم، حکمت اشراق سهروردی در این کشور گسترش بیشتری یافت.

حس تشخیص رنگ و توازن رنگها در همه هنرهای ایرانی به چشم میخورد و بدیهی است که این مسئله با شناخت معنا و نقش نور کاملاً مرتبط است. آبی سیر آسمان و رنگهای زنده و متغیر کوهستانها که دور و نزدیک، در همه جای ایران دیده میشود به طرز حتم در تشدید این آگاهی و دل بستگی به رنگها در هنر ایرانی، از میبایات و فرش گرفته تا کاشی کاری بناها، مؤثر بوده است.

حضور آبی در معماری اسلامی یا به صورت مساجد یک دست سپید و ساده نخستین که تزیین و تزییناتشان یادآور غنی مطلق است جلوه گر می‌شود، یا در قالب نماها، طاق‌ها و کتیبه‌های که اهرانه رنگ آمیزی شده‌اند و در توازن و هماهنگی خود، گویی تجلی وحدت در شرف و با گشت کثرت به وحدت را بازگو می‌کنند.

علاوه بر عناصر یاد شده، سود «ماده» نیز در خور اعتناست. در این جا بر آن نیستیم که از حساسیت چشمگیر معماری سنتی اسلامی در برابر مصالح، چه در زمینه شرایط اقلیمی و اقتصادی و چه نسبت به کیفیت ذاتی آن سخن گوئیم.

مقصود تذکر این نکته است که اگر دوگانگی «ده» و «عین» که این چنین افق فکری انسان معاصر را تیره و تار ساخته از میان چیز ثروت‌ها و امکانات غیرمنتظره‌ای از سوی «ماده» در اختیار معماران قرار خواهد گرفت.

این حقیقتاً معماری است که در عصر حاضر، یعنی عصری که ماده گرانترین دوران تاریخ بشری است، انسان تا چه حد دور و بیگانه است! ماده امروزه یا مفهوم مجردی است که فیزیک جدید به ما می‌آموزد و یا فرآورده کربهی است که ماشین تولید میکند و هیچ گونه نسبت و رابطه عمیقی میان او و انسان وجود ندارد.

در جوامع پیش صنعتی، صمیمیت و قربانی میان صنعتگر و تکه چوب یا سنگ و یا حتی قطعه فلزی که با آن کار میکرد و با تردستی به آن شکل میداد وجود داشت که اکنون بسیار به ندرت دیده میشود. تعالیم سنتی پیرامون مراتب هستی مادی و

جگونگی استفاده از عناصر مادی در حیات معنوی نیز به فراموشی سپرده شده است.

## معماری اسلامی

هنر و معماری در جهان پهناور اسلام دارای چهار دبستان با شیوه بنیادی است:

۱- شیوه مصری

۲- شیوه شامی

۳- شیوه مغربی

۴- شیوه ایرانی

اصولی را که در سر ایران و به ویژه در معماری وجود داشته، می توان به پنج اصل

تقسیم کرد:

- مردم واری

- پرهیز از بیهودگی

- نیارش

- خودبسندگی

- درون گرایی

## مردم‌واری

یعنی داشتن مقیاس انسانی به عبارت دیگر رعایت تناسب میان ابعاد و اشیاء ساختمانی با ابعاد و نیازهای انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان سازی است. آن را می توان در عناصر مختلف معماری ایران مشاهده کرد. به طور مثال اگر سه دری را که همان اتاق خواب است، در نظر بگیریم اندازه آن بر حسب نیازهای مختلف یک زن و مردم، بچه یا بچه های آنها، لوازم مورد نیاز و ... در نظر گرفته شده است.

به طوری که عملکرد اتاق و طرز قرارگیری عناصر چون درها، روزنه ها و ... نیز بر همین اساس و به دقت انتخاب شده است. جهت قراردادن وسایل مثل تشک، لحاف و ... پستویی می ساخته و برای وسایل ضروری نیز طاقچه هایی تعبیه می شده است.